

## سرداران حزب ما خوش آمدید

رفقای رزمنده توده ای:

رفیق صلواتی، رفیق مصلحتی، رفیق مهرتاجی، رفیق محمدرضا، رفیق علی، رفیق شمس، رفیق اسماعیل، رفیق سید مصدق...  
آزادی شما پس از ۲۵ تا ۳۰ سال زندان - که

هر لحظه آن از مبارزه الهام انگیز و ایحان پس شما برقرار بود. مومی از سردرد دل همه بسیار ان خواهد بود. مردم آزاد بهوان و آزمان جوی میهن ما را نگذاشته است. شما در طی این سالهای شیرین و تلخ، با مقاومت حماسی خود، مظهر شکستناپذیری و جان نیت مردم و حزب توده ای ما بودید. شما به نیروی لایزال که در وفاداری و پیوسته با خلق، در غرض برانگیختید، زندانیان و شکنجه گاه های استبداد را فتح کردید و چون قلب زنده و گرم خلق های ما در قلل دشت و مرگ و زخمی، تپیدید و سرود خواندید. مقاومت شما بیست و نه سال از روپناه ای بود که سسر و ز امواج طغیانی جنبش انقلابی مردم در آن جاری است و آزادی شما خود مشرع و سربان انقلابی است و جان فیزی است که این روپناه به بر حمت و شکی بخش برجای نهاده است. شما مبارزات مبارزه نسل گذشته را در وجود خود بیبیه میان نسل جدیدی از مبارزان منتقل می کنید. دست گذشته را در دست آورده ای گذارید و به عنوان طلبه داران سیاهی که موفقاً شکست خورد، اما از پای در نیامده و بس روی عقیده خود بازم و دلیری با شرف و به آزمان های حزب مردم وفادار ماندید. برای مبارزان این نسل مفهوم و جاذبه های قهرمانی و شوق و انگیزه را بیگانه کردید. مبارزات و استقامت بشعور شما در زندان ای می شک برگ های افتخار و فخر و تاریخ مبارزات میهن ما است. ما اعتقاد داریم مبارزان و فیضان جوان و ایستکان آزادی، از این تاریخ زنده و پیر شیب درس های گرانبهای می آموزند. این اشیا تپیز روزی دویار به شما است. اشیا تپین طمطی است که جواسی و زندگی شما سخت برتان نیست، بلکه در وجود مبارزان تازه و در میدان رزم های انقلابی امروز ولید است. در برابر شما و ما است...

## مردم

### درهای زندان ها را می گشایید

زندانیان ایران در حال فروریختن است. آزادی گروه بزرگی از زندانیان سیاسی - ایمن فرزندان مبارزان آزادیخواه و دشمنی نا پذیر خلق های ایران - نشان داد که دهرای رژیم استبدادی شاه، به بیعت برق ریاده، برائش در برابر بیگانه جنبش انقلابی مردم در برابر فروریختن است و در خلق در برابر آن اش و عسور و مرگ سرورزی است تا زنده بیدار قلب استکا با بدستن پشیم می رود. آزادی قهرمانان در بست خلق اگرچه با وجود هزاران زندانی سیاسی باقی مانده، پیروزی ناموسی است، اما در همین حال نمی توان به این پیروزی ملی که جنبش و تشنه شهر، محاصرات جانسازانه توده های رزمنده و با هم صلوات زندانیان چون مرف قهرمانی - صوفرقه دموکرات آذربایجان، سازمان ایالاتی حزب توده ایران - که ۳۰ سال در اسارتگاه های شاه بوده اسیران توده ای که ۲۵ سال در زندانها و شکنجه گاه های حکومتی حاصه مقاومت و شکستناپذیری خلق قهرمان ما را زندگی کردید و به اشیا تپین با بدستنیز دهیای عقاب خونین پیر، اما فرور و سر فرازی، در میان آزادندگان، مویله نرومندی و وظیفه جنبش دموکراتیک مردم است، چرا که طی این سالهای تلخ و سیاه، هیچ نیکیت و ولایتی موفق نشدند زندانیان و دوستان را بران را به رها کردند فرزندان قهرمان ما را دارد. و اینک که دیسو ار زندانیان شاه شکاب برداشته، مردم در وجه و زندانیان آزاد شده، سالهای نیکیت با راضی سازی و زجر و سیاهی و طاعتی روزها هموزان خوبی را می بیند و سزمنده صحنه صحنه ای نظام جنگی به حس و شکنجه و کشتن و فریب رادر برابر خود می باشد. آنها از خود می پرسند رژیم که ما توبه گوگ و اواز گره راندی گذشته و آزاد گرد زندانیان

## نقش طبقه کارگر در مرحله کنونی جنبش انقلابی ایران

مبارزات گسترده انقلابی مردم ایران طبقه استبداد سلطنتی وابسته به امپریالیسم همپسان راه امتلا می بود. این مبارزات که از یک سال پیش دوران پرشکو و غروش خود را آغاز کرده به شرح بر سر کشور را گرفت. دشواری سیاسی دوران آغاز را با گامی بی گزیده واکنش نشان دادند. وسیع و ژرفای صفی بافته است که دور نهای امتلا و ارتقا، آن به مراحل مایه بر یکبار انقلابی بسیار روشن و درخشان است. اما این جنبش گسترده انقلابی، با وجود پیشرفت های که در مبارزه فدهدیکتا توری حاصل کرده و طبق شخصی سهای محدودی که رژیم استبدادی در برابر آن به ناچار به آشیا تن داده است، هنوز توان آن را نشانده که لااقل همه آزادیهای صریح در قانون اساسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر را، که خواست محتملترین نیروهای جنبش فدهدیکتا توری در لطف کمونیستی، تحصیل و تأمین نماید. حتی نیل به همین حداقل نیز در گروه ششده پشیم از پیش مبارزه و شجیر و اتحاد دهم نیروهای مخالف رژیم است، حداقلی که خود از نظر مردم ایران اشیا می توانه گام نخست و پیش درام مبارزات گسترده تری برای نسل به دگرگونی های حیاتی و انقلابی طبقه و دموکراتیک باشد.

آنچه که در لطف کمونیستی برای جنبش ضرورت جهای تار و رفته می ولفه، جنبش و پیگیری و پیوسته ای آن را در جهت حرکت به سوی آماج های عالی تر مبارزه انقلابی تضمین می کند و آنچنان بر توان جنبش می افزاید که بشواست به سرعت رژیم تروریستی و بساط سلطنت استبدادی را واکسون سازد و گسترده آزادیهای دموکراتیک را و بشعه تثبیت پیروزی های آن به دست آمده و تأمین پیروزی به سوی هدفهای ملی و دموکراتیک به سدهدیکتا و جنبش انقلابی می آید. حضور کامل طبقه کارگر در عرصه مبارزه انقلابی به جناح یک طبقه مستقل و برای خود است. ویکی از مهم ترین طبقه های نعل به این هدف مبارزه پیگیری و گسترده در راه تامن آزادیهای سیاسی و اتحادی ای به منظور تریخ در پیوند مبارزات ملی و سیاسی کارگران ایران است.

حزب ما، حزب طبقه کارگر ایران است. طبقه کارگر ایران نیز امروز عهده تریخ و کنش را عهده تریخ طبقه جامعه ما است. نه تنها سزمنده دموکراتیک مبارزات ملی و دموکراتیک طبقه های طبقاتی آشی به منظور رهایی جامعه ایران از هرگونه ظلم و ستم و استعمار و گرو شرکت وسیع کارگران لایای نقش سرگروهی از جانب آنان است، بلکه در مبارزات کمونیستی طبقه استبداد فوجین طبقه نیز کارگران نقش تعیین کننده دارند. می توان یک ایطمینان بدون گمراهی ترین شرفی اعلام داشت که جدا از طبقه کارگر و پیوندی شرکت وسیع و فعال آن در مبارزه، جنبش فدهدیکتا توری نیز فاقد شانسی پیروزی نیست. این امر به ویژه با بدستن و تحوسه آن نیروهای پیروان رژیم است، که اگرچه در مبارزه به خاطر آزادی دموکراتی و اشیا تپین دارند، لیکن به سهو یا به صدمت طبقه کارگر راننده می نشانند و با آن را دست کم می گیرند.

حزب ما، حزب طبقه کارگر ایران است. طبقه کارگر ایران نیز امروز عهده تریخ و کنش را عهده تریخ طبقه جامعه ما است. نه تنها سزمنده دموکراتیک مبارزات ملی و دموکراتیک طبقه های طبقاتی آشی به منظور رهایی جامعه ایران از هرگونه ظلم و ستم و استعمار و گرو شرکت وسیع کارگران لایای نقش سرگروهی از جانب آنان است، بلکه در مبارزات کمونیستی طبقه استبداد فوجین طبقه نیز کارگران نقش تعیین کننده دارند. می توان یک ایطمینان بدون گمراهی ترین شرفی اعلام داشت که جدا از طبقه کارگر و پیوندی شرکت وسیع و فعال آن در مبارزه، جنبش فدهدیکتا توری نیز فاقد شانسی پیروزی نیست. این امر به ویژه با بدستن و تحوسه آن نیروهای پیروان رژیم است، که اگرچه در مبارزه به خاطر آزادی دموکراتی و اشیا تپین دارند، لیکن به سهو یا به صدمت طبقه کارگر راننده می نشانند و با آن را دست کم می گیرند.

## برای آزادی "به آذین" مبارزه کنیم

استاد دموکراتیک مردم ایران - استیلا به ترتیب مسائل سزمنده استبداد سلطنتی، اتحاد خلقی و آزادی های جامعه مردم و استقلال ملی و تمام کشور را از طریقی فخر رهبری و اقتصادی و نظامی و اشیا تپین می باشد. مبارزات مردم ایران می گزارد.

مستگوری محمود افقا داده (به آذین) دبیر کل اتحاد دموکراتیک مردم ایران، به دبیرکانون ترسندگان، نشان داد که رژیم فدهدیکتا که شاه ظلمی نظامی که به چهره زده و بیاضی بسیار بی گزیر آزادی ملی سیاسی به راه انداخته، به هیچ وجه تحمل حرکت های جسدی دموکراتیک و ملی را ندارد. به "آذین" تشابه اش تمام اشتقاق با میساری که حتی از چاروب شک و صفر قانون اساسی ایران از ترنرفکته، مورد عقم و عیون گمشانان استبداد استبداد به امپریالیسم فرار گرفته است. رژیم صراحتاً در حقیقت در تشخیص روزهای عهده ضد مبارزه دموکراتیک خود، آنچه را که در گفتارها و لایحه صوری می کند، در گزاردن بر با می بود. انگرچه طبقی عیون استبداد فوجین به دیر لطف اتحاد دموکراتیک مردم ایران - را به آذین به میساری ای که جاری میساری فدهدیکتی این سازمان میساری ساز به تأسیس است می توان دریافت، در این میان سزمنده آمده است:

و این ضرورت ها و واقعات از ریشه با بنیاد های رژیم فدهدیکتا و فدهدیکتا تریخ کمونیستی، آن دموکراسی اشقی طبقاتی حاکم که شاه می خواهد به صورت مرضی آن راه به ملت شه به کند، تا کارگران تا ضمن اعتراض فدهدیکتا به سازمانده به آذین راجل شکناسی ازادهخواه و سزمنده تریخ خلقی آزادی نوری او را خواستاریم و از حقایق نیروهای دموکراتیک و ملی کشور دعوت می کنیم که بسزمن آزادی می درنگ و پیگیرانه خلقی مبارزه کنند.

## انحلال ساواک و مجازات عمال جنایتکاران، شرط مقدم حرکت بسوی آزادی است

# فاجعه همدان و چهره بی نقاب تجاوز

## مردم درهای زندان‌ها را...

سیاسی و قبول پرداخت فراموشی به آنها - اگرچه به طور کلی - پیدا دگر و فانیون شکنی و جنایات خود را تاخیر کرده و شیوه ها و اصول حکومتی خویش را محکوم کرده است - چه مجوز وحشی برای ادامهٔ جنایات دارد؟ اگر این ادعاهای گول زنگ میلیشن رژیم درست است که شیوه های ظالمانه و فاسد رژیم حکومت باید پذیرفته شود، چرا هنوز ساواک که ابزار همه جنایات و ستم جا بوده و فاسد است، همچنان بر جاست و فعالیت سیاست های خرابی و توطئه های زدیلاته خود را ادامه می دهد؟ چرا محکمه های نظامی که مسبب بی عدالتی ها و جنایات دربار در باقی سر مردم بوده اند، همچنان بر اختیارات غیرقانونی و نامحدودهٔ قتل و زنجیر کردن آزادبختان و صدور احکام فرما بی طبقهٔ میهن پرستان ادامه می دهند؟ چرا بنیادها و دموکراتیک نظیر مجلس واداکتری (قوای مقننه و قضائیه) و انجمن های شهرویی پرستان همچنان زیر کنترل و سلطهٔ همان دیکتاتورانهٔ سوارهٔ قوای است که مملکت را با جنون و چپاول و خیانت های خود به این روز انداخته اند؟ چرا هنوز های ران زندانی بی گناه - که تنها جرم آنها شفق بی آزادی و مردم است - در سیخوله ها اسیرند و حکم دزخیان ساواک که توسط دادگاه های نظامی و روسی طبقه آنها صادر شده، منتظر ماندن است؟ چرا ارتش و زندانها در شهربانی که در تمام گذشته محکوم و رسوای رژیم فاسدی و استبدادی شاه - ساواک که در طلب امنیت و ثبات بوده است، هنوز در شهرها و کوه ها و غیابان ها و مساجد، خون مردم را می بریزند و حرکت های آزادیخواهان را مورد بورش و وحشتانه قرار می دهند؟ آیا چرا و صدها جزای دیگر گویای این واقعیت است که رژیم شاه - ساواک که با دربارها خون هم نشوفاختهٔ زواج گیری چندین دموکراتیک و ضد ملیست مردم چلوگیره، بر آنت استاد حرف مردم میخواند آزادی را نمره بریزد و بستاند و در دربار وین اصلاحی کند، در حرف های راهی مردم بدهد و در عمل آن را زیر پا بگذارد و دولت کتد و در حرف به ظاهر و جنایات و تبه کاری های گذشته اعتراف کند و در فعل با همان ابزارهای قدیمی و همان شیوه ها و تفکلی و عناصر و موهبه های سابق حکومتی، ادامه دهد، و با در نهایت با عقب نشینی های کوچک - و به خیال خودناگشتگی - که دیگر چاره ناپذیر و ناگزیر است، بگوید مواضع اصلی و کلیدی قدرت جهتی خود را حفظ کند.

آزادی گروهی از زندانیان سیاسی به مثابه فتح جدید مردم در بیکاربا حکومت مستبدانهٔ شاه، اگرچه موجی از شادی و شرف انگیز است، اما خاطرهای غریب در شقایق دلپری زندانیان شهیدی چون پرویز حکمت چو، آیت الله قلی ری جزئی و تهرانی و فرهنگ تهرانی و دهها میسر از «دهشتی» چریک فدایی، رزمنده ملی و مارکسیست را که در کشمیرگاه ها و در جریان سیمه های ساواک و شاه به خون شهیدان و مدافعان به گور سپرده شدند، در ذهن های زنده کرد. این آزادی شاه با ما یادآور شد که رهایی دیگر زندانیان و طلق نیز در گرو مبارزات مردم است. هنوز طای قوای ضد کمیسر مرکزی حزب توده ایران، طرف رزمیده و سایر محدودزاده و نیز آیت الله قلی ری آیت الله منتظری، و هزاران شجاع و شریف دیگر در اسارتگاهند. واقفیت زندانی سیاسی، با هرسلگ و عقیده ای در زندان های شاه وجود دارد، سخن گفتن از لغای با سیاسی و آزادی قانسون (حتی همین قانون کینهٔ بورژوازی که گت پست و پمال پیش است، حرف مفتی پیش نیست، و تا وقتی بنیادهای ضد آزادی نظیر ساواک و دربار و محاکم نظامی و غیره وجود دارد، مردم میهن ما آزادی فقط مجسمه ای و ازعدالت تنها ظاهر و وسیله آن را خواهند داشت. همان طور که آزادی مطبوعات و لغو سانسورک، با همه بی قضی و محدودیت آن، این روزها به عنوان یک موفقیت ملی مورد توجه شده است، جز در متن آزادی های شهید شده ملی و همه جانبه، بی مفهوم و بی دورسات، آزادی زندانیان سیاسی نیز جز با نابودی ابزارها و دستگاه های ضد آزادی و ضد مردم، نمی تواند آزادی واقعی باشد. در کنار زندانیان و شکنجه گاه ها و در زیر سایهٔ جلادگونهٔ میهن برای آزادی جشن گرفت؟

ایران به حق کامل، مستقل و آگاهانه ایمن عقیم ترین و انقلابی ترین نیروی اجتماعی د مردم شهیدمندی نام دارد.

**کارگران آگاه، در کارخانه ها هسته های مخفی حزبی ایجاد کنید و با حزب توده ایران تماس بگیرید!**

سیگار - راه آهن - ۲۰

آنها ندارد. رژیم که طبقا با نظامی مردم را با آتش زدن سینتارکس آبادان و با گستر کردن بیش از ۸۵۰ شتا تا کر آن، آتش زدن مسجد جامع کرمان، سوزاندن کتابها و فرارن ها و تاجا و زبه دستران دانش آموز و گلگله با ران کردن مردم بی دفاع در کوهه ها و غیابان های خواهد سرکوب کند، تا دسترو بیسی با یگانهٔ شورگزان تر از آنست که امیدمانند داشته باشد. دهها سال این رژیم فاشیست و تاجا و زکارر با شورانه ترین روش ها و تبه کاریترین مواسل و ما موران سلطه شوم خود را بر میهن مردم ما حفظ کرده و حالا با حفظ همان روش ها و عوامل، مدعی ضعیف رویه و با زکودن فضای سیاسی اختناق زدهٔ مملکت است. نظم سریزه و تاجا و زست ناسورده با بی استواین سیستم فاسد مردمی جز فاشیست و تاجا و زکارر مردمی آموزش دادنی ندارد. با زندانیان و دزخیان و چنان بکاران چگونگی میهن را از دست و امنیت و قانین رابه کشور با زکودن است؟ بیسی اردکانی، او قربانی تاجا و زکارر یک جا چندین مورد کلتوری نیست، او قربانی رژیم فاشیست است که جوهری میهنی و اختناق و تاجا و زکارر است که تاجا و زکارر به شکل هتک ناموس دختران دانش آموز گاه به صورت شکنجه و زندان فرزند آن خلق، گاه با به خون کشیدن هزاران زن و مرد و کودک در میدان زاکس و میدان همه شهرهای کشور، گاه با طعنه کردن زنان میهن در محوش مسجد شیراز، گاه با به راه انداختن دسته های چاقو کوبی و با شتان چاقی به دست و انداختن صید دروغها و تحقیرات از میا زرتیسی و فرستادن گناه و ما موران پلیس در لباس میبدی به میان صفوف جنبش برای تحریک و شکنجه کردن آن به سیراه، جلوه می کند. در برابر چنین واقعیتی است که هنوز کلمات پراشتم و طعنه میرزایان کرمانی در محکمه قلابی قاجار، دویاره در گوش ها زنگ می زند:

- درخت فاسد را از ریشه باید قطع کرد.

دعا لیل دموکرات مذهبی و رخنشگران مترقیسی دانشگاهی و فیرواشگاهی فرجه بیشتر موافق ساواک می خود را تحکیم میبندد و دامنه فعالیت علمی و اشکار و پورا در میا زره علیه پایه های رژیم شوروی و اختناق کمونی گسترش دهند. لیکن پیونده کردن به این موفقیت نسبی و نامیده گرفته این واقعیت که تا همین امروزت شوروی و بلسی رژیم بر کارگران به همان قوت سابق باقی است و کارگران ایران از راهه ترین حق خود یعنی حق فعالیت آزاد سندیکیایی و اتحادیه ای برخوردار نگاه داشته اند. عدم صمیمی عدم توجه همهٔ تریین شرط پیروزی میا زرات فاشیست شوروی و بی اعتنائی به سرشوشگلی جنبش بی طرف کلتوریست. نقطه اساسی ضعف جنبش در مرحله کمونی و پایه قدرت رژیم به ویژه در همین مسئله اقتصادی شوروی بلسی در باره کارگران و محروم کشنده داشتن آنان از حق فعالیت آزاد سندیکیایی و اتحادیه ای است. در حالی که صدها هزار کارگر با اعتصابات گسترده مطالبات سیاسی و هوادریک ماهه اخیر، به جنه... بخوراهانه و استقلال طلبانهٔ مردم، نیرو و زرفای تازه ای بخشیده اند رژیم همچنان با تمام جسی در سرکوب شدن جنبش مستقل کارگران و چلوگیران در مقابل آزادی کارگران در سندیگها و اتحادیه های واقعی آنها دارد. باید با مردم گفتن این ترور و تاسیس آزادی فعالیت سندیکیایی و اتحادیه ای کارگران، ضعف پایه ای جنبش را جبراً بضموم قدرت دشمن را درم شکست. اما کارگران می دانند که هیچ کس آزادی فعالیت سندیکیایی و اتحادیه ای را به آنان هدیه نخواهد کرد. کارگران می دانند که مبارزه برای تاجا و زکارر و مظلومی و طبقاتی خود ضعی هستند و باید جنبش نیروی خود تکمیل کنند. ایمن خود کارگران هستند که باید در مبارزهٔ روزانه خود از راه ایحاد سندیگها و اتحادیه های آزاد، دور ساختن ما موران ساواک و گماشتگان نظامی رژیم از کارخانه ها، بیط مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی همهٔ اقشار کارگران، فعالیت آزاد سندیکیایی و اتحادیه ای خود را از زو به فصل در آوردند و ارتش نش میلبورنی طبقه خود را به صورت نیروی متحد و مجهزی مستقل سازند.

شرکت وسیع کارگران در مبارزات فاشیست دیکتاتوری و ضد امپریالیستی از جمله از محروم و مبارزات سندیکیایی و اتحادیه ای می گذرد. باید این معبر را از سگلاخ رژیم ترور پلیس و استبداد فاشیستی پاک کرد و جاده فعالیت آزاد سندیکیایی و اتحادیه ای را هموار و فراخ ساخت. غروانی که از این روزن به بیشتر مبارزات دموکراتیک و رفی خود را در دست استعمار سندیکیایی و مظلومی گندو شمت آزادی و استقلال و پیشرفت اجتماعی را در اختیار رجه طبقات و اقشار ذلیل در مبارزه، منجمله خود کارگران قرار دهد. کارگران خودی اهمیت این مسئله و فلسفهٔ هر روز نیروی پر توان تر و گسترده تر می دانند و میدان نیرو طبقه سلطنت فاشیستی و استبدادی شاه می فرستند. دور نمای جنبش ملی و دموکراتیک

مجاور تجاوز و هتک ناموس از سه دههٔ فاشیست فرمال دانش آموز در کلتوری همدان، بیکار و بیکر چهره هیولان و مومل فاسد و گندیدهٔ رژیم را که چین بخت به روی میهن ما افتاده، به روشنی تمام نشان داد. این فاجعه که به طور دست و پا شکسته و بیبرنگ در روزنامه های مدعی رها شده از تیغیا نسور منتشر شد، صحنه دیگری از اعلام جنگ رژیم شاه - سوسییزهٔ " به مردم و بی نامیست مردم را در برابر حکومتی که به جای پاسداری از امنیت جامعه، خود بزرگترین مهاجم و مذل این امنیت است، بر ملا کرد. ما چرا از این قرار بود که میهن اردکانی، دختر ۱۲ ساله دانش آموز همراه دودخترهٔ محصل دیکتاتور و جریان نظا هرات فاشیست توسط گوریل های مسلح شاه دستگیر شده و دست به کلتوری منتقل می شوند. در کلتوری همراه دختر به طرز بی شرمانه ای، با صفت مورد تخریب قرار می گیرند. میهن کوچولو که طاقت این همه کشتاری را نداشت، خود را می کشد و پاره و پاره می خون آلودهٔ شرک مصوم را مقابل دیوستان میبرد و با بیخوش و شتم خطاب به شتاگردهای میهن نعره می زند: " من این همه ظلم را به چه بگویم؟ آنچه مرا بر پر کرده، این پیراهن خونین میهن کوچولو و صفاگردهٔ قهر شکنش است...". دانش آموزان با چشم های اشک آلود وقت های گریه کرده به غیابان های میزند و نظا هرات محترم و عزیزان سراسر همدان را فریاد می کنند. بلایه ما چرا این همه می دانند: شکله های آتش، نظا هرات راه پیمایی صدها هزار نفری غیابانی، شهیدان گرونی از مردم بی دفاع در جریان نظا هرات اختراقی... فاجعه دلخراش میهن اردکانی تنها جزئی است برای شکله زدن به مردم آمده غم مردم بود، اما این حادثه از این نقطه نظر حائز اهمیت است که نشان می دهد دستگاه استبداد برای مقابله با اعتراضات و تاجا و زکارر مبارزه جویانسه خود به این طبقه به سوت آمده. ابزار و راهی جز توسل به گانگستریسم، راهزنی و قتل و قسارت و مصلحت طلبی، تجاوز به ناموس مردم، و ارتقا

## فکشی طبقه کارگر...

کارگران (قبل از آغاز این مبارزات در اوایل سال گذشته) صورت گرفته با داد و در شویم. دران هنگام که ظلمت رژیم ترور و اختناق ساواکی فضای سیاسی ایران را پوشانده بود و جنبش روزنه ای از هیچ گونه روشنی و آزادی باقی نگذاشته بود، کارگران تهرانی اولین کسانی بودند که با نظا هرات طلقی خود، صورت کسب آزادی برای خود و دیگران را مطرح ساختند. مسجد چرخشی خروشنی، اعتصاب اردکان کرکت و اتحادیه انجمن سوسیالیست شهریز در شهر ماه ۱۳۵۲، یکجا پس از این اعتصاب پرغروش، ناچار سردانه از راه آورده شد و در میا رستان برایش موسومیت درگشت. لیکن نظای او به زودی همه گیر شد و کارگران ایسران نیز مبارزات اعتضایی بهرست وادانه داری را آغاز میا زراتند. نقطه ای اوج این مبارزات در راه پیمایی خروشنی کارگران جهان چندین در گرج و در اعتصاب رژیم کارگران کاخی در تیرماه ۱۳۵۲، که به پیگیا خروشنی بین کارگران و نیروهای انتظامی استبدادی رژیم آنها میدوبه شهادت دهها کارگر رزمنده منجر شد، ظاهر گردید. روزنامه "مردم" از گران مرکزی حزب توده ایران، اعتصابات تابستان ۱۳۵۲ را مرحلهٔ جدیدی از "تکویین اضله جنبش اعتضایی کارگران ایران" ارزیابی نمود. صحت ارزیابی حزب ما از جنبش اعتضایی کارگران در سال ۱۳۵۵ تا شایند. طی سال ۱۳۵۵ در سراسر کشور دهها اعتصاب سهم بر گزار گردید. تنها در شهر ماه آن سال ما شاهد اعتصاب همزمان کارگران چندین کارخانه بزرگ در شهران بودیم، که اعتصابات کارگران کارخانهٔ چیت بازی شهران مطهر و نمونه آن بود. کارگران کارخانهٔ چیت بازی شهران با اعتصاب با شکره و رژیم آکمیونیست دروز خود موفقیت دلیروا را بر سر هموم نیروهای مسلح، نه تنها انکار نمودی، با توجیه اگان صبار و حمایت از خود فرستاد، بلکه با پیروزی در اعتصاب به باز کردن روزنه ای در فضای سیاسی دیکتاتوری نایل شدند. اعتصابات کارگری شهر دربی ازمال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ در تحول فضای سیاسی کشور مؤثر بود. طبقه کارگر ایران در مبارزات ضد دیکتاتوری و انقلابی کلتوری نشان پیشگام داشته و این واقعیت را ا ادا تا مینمای این طبقه در آستانهٔ مسازرات اخیر مردم به خوبی نشان می دهد.

آنکون مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی سرپا به با غرمندهٔ عمیق همومی همه طبقات و جنبش و افشار ملی جامعه تا بدان حد اوج گرفته که سازمان های مسلح و جنبش سیاسی در میان به افشار ملی و روشنفکران آزادبخت از امکان فعالیت علنی تا حدودی برخوردار شده و موجودیست خود را در رژیم فاشیستی و دیکتاتوری تحمیل مسل کرده اند. البته این موفقیت مهمی در مبارزه طبقه سلطنت استبدادی شاه به شمار می رود و چسا دار که سازمان اجتماعی و سیاسی افشار ملی،

# پرولتاریا برای بدست آوردن قدرت حاکمه ساحی جز سازماندهی ندارد! لین»